

تأثیر ادبیات فارسی بر انواع و آثار ادبی اندونزی

دکتر محمد ظفر اقبال

اندونزی بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر دنیا و مشتمل بر ۱۷۵۰۸ جزیره کوچک و بزرگ است. زبان این کشور قرن‌ها تقریباً در تمام جنوب شرق آسیا، زبان روزمره و متداول مردم بوده است. با ورود اسلام به این مجمع‌الجزایر، زبان اسلام برای مردمان این سرزمین شناخته و در قرن شانزدهم میلادی در دنیای ملایو^۱ به عنوان یک زبان قدرتمند ادبی معرفی شد و در تمام منطقه گسترش یافت. زبان و ادبیات فارسی از دو راه به دنیای زبان و ادبیات ملایو وارد شد و تأثیرگذار گردید: یکی به طور مستقیم و از راه ایران و دیگری از راه هندوستان. این تأثیرگذاری از زمانی آغاز شد که پادشاهان مسلمان هندوستان و ایران همت خود را صرف ترویج ادبیات نمودند. از آنجا که دوران حکومت ایشان مقارن با حکومت‌های اسلامی در ملایو بود، دامنه گسترش ادبیات فارسی به این منطقه نیز رسید و

۱. منطقه‌ای که اینک مشتمل بر مجمع‌الجزایر کشور اندونزی، مالزی، برونئی، سنگاپور، جنوب تایلند و جنوب فیلیپین است و در منابع قدیم «نوستارا» (Nusantara) خوانده می‌شد.

ادبیات آن را تحت‌الشعاع قرار داد. مقاله‌ای که در پیش رو دارید، انواع و آثار ادبی اندونزی را با هدف نشان دادن چگونگی تأثیر ادبیات فارسی بر آن، بررسی می‌کند.

انواع و آثار ادبی اندونزی

بیشتر آثار ادبی اندونزی از زبان های عربی و فارسی گرفته شده است. دین اسلام در قرن هفتم میلادی بر پیامبر اسلام حضرت محمد (ص)، نازل شد و در زمان کوتاهی به سایر نقاط عربستان و بعدها به مناطق دیگر جهان رسید. علم و ادب اسلامی به زودی در تمام خاورمیانه گسترش یافت و دامنه نفوذ آن از فرانسه تا هندوستان و جنوب شرق آسیا را فرا گرفت. مهمترین علت گسترش علم و ادب اسلامی، تأکید اسلام بر فراگیری علم و تحقیق در تمام زمینه های زندگانی انسان بود؛ زیرا که اولین آیه قرآن که جبرئیل از جانب خداوند در غار حرا بر پیامبر نازل کرد، مفهوم علم و دانش را بیان می‌نمود (قرآن: سوره ۹۶، آیات ۱-۵). قرآن کریم و حدیث رسول (ص) در تولید علم و ادب در مجامع سهم بزرگی داشت. در طول تاریخ اسلام، صوفیان، عارفان و روشنفکران اسلامی، زبان عربی را کاملاً یادگرفته، پیام قرآنی را دنبال کرده، جهان تازه‌ای از افکار انسانی تولید کردند که شرق و غرب را تحت تأثیر قرار داد. وقتی که ادب اسلامی از قرن هفتم تا هجدهم میلادی به اوج خود رسید، دنیای غرب، خصوصاً اروپا، در تاریکی و خواب غفلت در غلطیده بود.^۲ دنیای عرب تا سال ۱۰۰۰ میلادی پیشرفت چشمگیری در زمینه های ادبی به دست آورده بود. یکی از شاهکارهای ادب عربی کتاب «الف لیلی و لیلی» است که از راه ترجمه به زبان های مختلف، در دنیای شرق و غرب شناخته شده بود.

وقتی که اسلام به آسیای مرکزی رسید، زبان و ادب عربی در آنجا مورد پذیرش قرار گرفت و در نتیجه ادبای بسیاری به زبان عربی مسلط شدند و در کارنامه علم و ادب اسلامی کارهای بزرگی از خود به یادگار گذاشتند.^۳ پیشرفت اسلام در ایران، منجر به

2. Ismail R. al-Faruqi, Islam, Argus Communications, Illinois, USA, 1979, p. 76.

3. Anwar G. Chejne, *The Arabic Language, Its Role in History*, University of Minnesota, Minneapolis, USA, 1969, pp. 70-80.

تولید ادبیات اسلامی شد: فردوسی که یکی از بزرگ‌ترین حماسه‌سرایان به شمار می‌رود، شاهنامه را سرود، رباعیات عمر خیام از نظر شیوه تفکر فلسفی تمام جهان را تحت تأثیر قرار داد و آثاری چون لیلی و مجنون نظامی گنجوی، منطق الطیر عطار، مشکات الانوار غزالی، مثنوی معنوی مولوی، گلشن راز محمود شبستری، بوستان و گلستان سعدی، دیوان غزلیات حافظ و صدها آفرینش ایرانیان در زمینه علم و ادب، تأثیر شگرفی بر ادبیات جهان به ویژه بر زبان‌های اسلامی مثل ترکی، اردو و ملایو گذاشت.

قبل از ورود اسلام به ادبیات ملایو، تأثیر ادبیات دین هندو و بودایی بر این زبان قوی بود. قبل از آغاز دوره مسیحیت، فرهنگ هندو تمام مجمع الجزایر اندونزی را فراگرفته بود و آثار این تأثیر که از قرن چهارم تا دوازدهم میلادی فراگیر بود، در سایر مجمع الجزایر نیز دیده می‌شود. در قرن هفتم میلادی، سلطنت سری وجایا در دنیای ملایو بزرگترین مرکز فرهنگ هندی به شمار می‌رفت، در آنجا مراکز تعلیم و تربیت بودایی وجود داشت و زبان سانسکریت درس داده می‌شد.^۴ در سلطنت سری وجایا زبان ملایو قدیم، زبان رسمی کشور و به عنوان زبان علم و ادب و فرهنگ به کار برده می‌شد.^۵ در آن زمان زبان ملایو قدیمی در جاوه و ملاکا هم به کار برده می‌شد.

قبل از معرفی خط عربی در مجمع الجزایر، زبان ملایو دو رسم الخط هندی را به کار می‌برد: یکی خط پلاوا (Pallava) که از آن خط جاوه به نام خط کاوی (Kawi) به وجود آمد و دیگری رسم الخط ناگاری (Nagari) که در قرن هشتم میلادی از بنگال به اینجا معرفی شده بود. متأسفانه از ادبیات هندوی ملایو آن زمان به جز چند کتیبه چیزی باقی نمانده است.^۶ بزرگترین آثار تأثیر فرهنگ دین هندو - بودایی در معابد «انکوروات

4. N.J. Ryan, *A History of Malaysia and Singapore*, Oxford University Press, Kuala Lumpur, 1976, pp-7-8.

5. A. Teeuw, *Modern Indonesian Literature*, Martinus Nijhoff, The Hague, 1967, pp. 5-6. See also, C.A. Mees, *Tatabahasa dan Tata Kalimat*, University of Malaya Press, Kuala Lumpur, 1969, p. 1.

6. R.O. Winstedt, *The Malays: A Cultural History*, Routledge and Kegan Paul Ltd., London, 1969, p. 139. See also, M.A. Jaspan, *Folk Literature of Sumatra, Reading Ka-Ga-Nga Text*, The Australian National University, Canberra, 1964, pp. 6-7.

کمبودیا»، و «بورو بودر» در جاوه مرکزی اندونزی دیده می شود. نقوش روی دیوارهای معبد بودایی بوروبو در تمام کتاب مهابهارات و رامایانه درج شده است و این معبد یکی از بزرگترین آثار بودایی در جهان به شمار می رود.

قبل از ورود اسلام به دنیای ملایو، بیشتر منابع ادبیات ملایو به صورت شفاهی بود. انواع ادبی (Genres) آن زمان مشتمل بر قصه های اساطیری، معما یا چیستان، ضرب-المثل، افسانه، قصه های عامیانه، افسانه های مردمی و غیره بود. از انواع ادبی ملایو می-توان از پنتن (Pantun)، سلوکا (Seloka) و گورندم (Gurindam) نام برد. پنتن نوعی بیت بازی مشتمل بر چهار سطر به شکل ABAB است؛ سلوکا به شکل چهار سطر و گورندم نیز به شکل منظوم است. قبل از اسلام مردم ملایو به مخلوقات ماورایی مثل جن و پری اعتقاد داشتند و کسی که به این مخلوقات قدرت می داد، پاونگ (Pawang) خوانده می شد. پاونگ می توانست با نیروی خود، مخلوقات را از یک نوع به نوعی دیگر (مثلا قورباغه را به مار) تغییر دهد. همان طور که گفته شد، در این عصر تمام ادبیات شفاهی بود. ورود اسلام در این سرزمین انقلاب بزرگی در زندگی مردم به وجود آورد. ادبیات اسلامی بعد از سال ۱۵۰۰ میلادی در دنیای ملایو ظهور کرد و در زمینه دین شناسی، ادبیات عامیانه، شعر و حکایات پیشرفت خوبی داشت.^۷

تمدن و فرهنگ اسلامی سهم بزرگی در پیشرفت زبان و ادبیات ملایو داشت. زبان ملایو رسم الخط عربی- فارسی را فراگرفت و تعداد زیادی از واژه های عربی و فارسی و انواع ادبیات عربی و فارسی وارد زبان و ادب ملایو شد و این زبان را به یکی از غنی ترین زبان های جهان تبدیل کرد.

7. M.G. Emeis, *Bunga Rampai Melayu Kuno*, Deawan Bahasa dan Pustaka, Kuala Lumpur, 1979, pp. 1-2, See also, Zuber Usman, *Kesusasteraan Lama Indonesia*, Gunung Agung, Jakarta, 1963, p. 11.

انواع شعر ملایو

بعد از گسترش اسلام در دنیای ملایو، ادبیات عربی و فارسی در زبان و ادبیات ملایو تأثیر شگرفی گذاشت و نوع شعر در زبان ملایو به نام *Shair* شناخته شد که ریشه آن از زبان عربی و فارسی بود. نویسندگان مشهور زبان ملایو، *وینستد* و *نجیب العطاس* معتقدند که نخستین شاعر زبان ملایو، *عارف نامدار*، شاعر و نویسنده ادب عرفانی دنیای ملایو، *حمزه فنسوری* (۱۵۵۰-۱۶۰۰ م.) بود. *نجیب العطاس* می گوید: شعر چهار مصرعی (رباعی) ابن عربی بنیاد ظهور شعر در ادب ملایو است که توسط صوفیان و از راه ادبیات عرفانی به دنیای ملایو رسیده بود.^۸ وی معتقد است که شعر از زبان عربی و فارسی و از طریق ادب عرفانی وارد زبان ملایو شده است. شعر رباعی *حمزه فنسوری* با شعر عربی و فارسی متفاوت است؛ یعنی ساختار مصراع و قافیه در رباعیات عربی و فارسی *AABA* است، حال آنکه شعر رباعیات *حمزه*، ساختار *AAAA* چهار مصرعی دارد. وی شعر *حمزه فنسوری* را اغلب اختراع محلی وی به نام *Shair Kawi* و متأثر از شعر عربی و فارسی می داند. شعر زیر یک رباعی از *حمزه* است:

Dengarkan sini, hai anak *datu*!
Ombak dan air asalny *Satu*
Seperti manikam muhit dengan *batu*
Inilah tamthil engkau dengan *ratu*^۹

یعنی:

در حقیقت آب و موج یکی اند
مثل سنگ پرتاب کردن به طرف محیط جهان
همین طور تو با ملکه رشته پیوند داری

8. R.O. Wistedt, A History of Classical Malay Literature, p. 3. And See also S.M.N. al-Attas, The Origion of Malay Sha'ir, Dewan Bahasa dan Pustaka, Kuala Lumpur, 1968, p. 44.

9. S.M.N al-Attas, The Origion of Malay Sha'ir, *ibid.*, p. 23.

غزل

در آخر قرن ۱۸ میلادی، در قوالب شعری ملایو، مضامین ادبی مثل افکار دینی، حکایت های عامیانه و تاریخ نگاری بیان می شد.^{۱۱} انواع و قالب های شعری دیگری هم از ادبیات دنیای اسلام وارد ادبیات ملایو شده بود؛ مثل غزل، مثنوی، نظم، رباعی، قطعه، قصیده و غیره.^{۱۲} اولین نشانه های به وجود آمدن این قالب های شعری در ادبیات ملایو، در کتاب تاج السلاطین، نوشته بخاری الجوهری در سال ۱۶۰۳م. در آنچه، اندونزی دیده می شود. به نظر نویسندگان ای به نام ویستید، غزلی که در تاج السلاطین دیده می شود، ملهم از شعر نگاری فارسی است.^{۱۳} در ادبیات کلاسیک ملایو، غزل برای بیان مضامین محبت و نصیحت به کار رفته است. غزل معمولاً از هشت بیت ۲۰ یا ۲۲ هجایی تشکیل شده و هر بیت با موسیقی مساوی تمام می شود.^{۱۴}

مثنوی

مثنوی از طریق شعر فارسی به ادبیات ملایو وارد شد. مولانا جلال الدین رومی، شاعر و صوفی نامدار ایرانی که بین سالهای ۱۲۰۷-۱۲۷۳ میلادی می زیست، مثنوی را برای بیان افکار دینی و عرفانی به کار برده بود. در ادبیات ملایو این نوع از انواع شعر برای بیان افکار مهم عرفانی به کار رفته است.^{۱۴} مثنوی در هر دو سطر، موسیقی مساوی دارد و هر سطر مشتمل بر ۱۰، ۱۲ یا ۱۴ واج است.

10. L. F. Brakel, *Persian Influence on Malay Literature, Abr-Nahrain*, Vol. 9, Leiden, 1970, p. 11.

11. S.T. Alisyahbana, *Puisi Laama*, Zaman Baru, Petaling Jaya, Malaysia, 1971, p. 177.

12. R.O. Wistedt, *A History of Classical Malay Literature*, *op. cit.*, p. 139.

13. Simorangkir Simandjuntak, *Kesusasteraan Indonesia, Vol. I*, Pembangunan, Jakarta, 1971, p. 66.

14. Simorangkir Simandjuntak, *Kesusasteraan Indonesia, Vol. I, loc. cit.*

رباعی و قطعه

رباعی از ادبیات عربی و فارسی به ادبیات ملایو وارد شده و برای بیان مسائل کلامی و تصوف به کار رفته است. رباعی مشتمل بر چهار سطر است که ساختار موسیقی کناری آن ترتیب aaba دارد. همینطور نوع ادبی قطعه از ادبیات عربی و فارسی وارد این زبان شد. گرچه این قالب های شعری در زبان ملایو پیشرفت داشت، شاعران بیشتر از انواع شعری محلی مثل Shair (شاعر)، پانتن (Pantun)، سلوکه (Soloka) و گورندم (Gurindam) استفاده کرده اند.^{۱۵}

ادب نثر ملایو

قبل از اسلام، ادبیات ملایو تحت تأثیر ادبیات هندو، خصوصاً ادبیات داستانی و اسطوره ای رامایانا و مهابهارتها بود. این ادبیات معمولاً به زبان جاوه نوشته می شد. بعد از ورود اسلام به دنیای ملایو، حجم زیادی از ادبیات هندو اسلامی شد؛ در این عمل بیشتر اصطلاحات سانسکریت به اصطلاحات اسلامی تبدیل شد. مثلاً اصطلاح سانسکریت Dewata Mulia Raya یعنی «دیو معبود عظیم» به «الله سبحانه و تعالی» تبدیل شد. همین طور تمام کردارهای مهم مردم سالاری (Heroes and Heroins) را با اسامی دلیر و شجاع اسلامی عوض کردند. نویسندگان ملایو در آغاز هر داستان هندو واره، بخشی از ادبیات اسلامی را اضافه می کردند تا به مذاق مردم مسلمان خوش بیاید. مثلاً در داستان رامایانا به جای دیواتا راوانه، حضرت آدم علیه السلام را آوردند. آدم خواستار پادشاهی و سلطنت بزرگ از خدا می شود و خدا آرزوی او را قبول می کند. اسم خداوند تعالی و حضرت آدم علیه السلام در داستان رامایانا چند بار می آید تا این داستان رنگ اسلامی بگیرد. ولی در داستان مهابهارتها که در زبان ملایو Hikayat Pandawa Lima

15. H. Aminurrashid, *Kajian Puisi Melayu*, Pustaka Melayu, Singapore, 1963, p. 66.

نام دارد، بیشتر خصوصیات هندو باقی مانده است.^{۱۶} همینطور داستان گنجامارا (Hikayat Ganjamara) که از سانسکریت گرفته شده، پیام تبلیغ دین اسلام را بیان می نماید. گنجامارا پهلوان این داستان در مقام مبلغ اسلامی فعالیت می کند و چند سلطان هندو را در حلقه اسلام می آورد.

تعداد زیادی از داستان های هندو بعد از ترجمه به زبان ملایو، اسم و ساختار اسلامی به خود گرفته اند. مثلا داستان ماراکارما (Marakarma) بعد از ترجمه شدن به زبان ملایو، به اسم اسلامی Hikaya Si Miskin، داستان Bayu Seranga به نام حکایت احمد محمد و داستان Indrajaya به نام حکایت شاه مردان، شناخته شد.^{۱۷} قبل از اسلام، داستان های هندو مورد علاقه مردم ملایو بود. در حقیقت نویسندگان ملایو این داستان ها را به طور کامل ترجمه نکردند بلکه کار آنها نوعی ترجمه آزاد و باز نویسی بود که در آن به ذوق خود و به مناسبت زمان و مکان مطالبی اضافه می کردند. این داستان ها را داستان سرایان برای مردم روایت می کردند و در نمایشنامه های ملایو نیز به همراه موسیقی محلی بین مردم پخش می شد. این نمایشنامه ها بهترین تفریح مردم آن زمان بود. تأثیر اسلام در داستانهای هندو، در اصل بعد از اعتراض علما پیش آمد؛ زیرا که آنها بیان عقاید و رسومات دین هندو و بودایی را درست نمی دانستند و این کار را اقدامی علیه توحید اسلامی قلمداد می کردند.

پس از صدور فتوای علما، نویسندگان دانستند که نباید داستان های هندو را برای مردم مسلمان روایت کنند؛ لذا به منابع داستان های اسلامی روی آوردند و داستان های اسلامی را از زبان عربی و فارسی به زبان ملایو ترجمه کردند. بعدها این آثار به زبان های محلی مجمع الجزایر (مثل زبان جاوه، آچه، سندا (جاوه غربی)، بوگیس (جزایر سلاویسی و غیره) برگردانده شد.

16. Cf. Farid Mohd. Onn, ed., *Cherita Seri Rama*, Dewan Bhasa dan Pustaka, Kuala Lumpur, 1965, pp. 1-2; W. G. Shellabear ed., *Hikayat Seri Rama*, Malay Publishing House, Singapore, 1964, p. 140.; Khalid Hussain, ed., *Hikayat Pandawa Lima*, Dewan Bahasa dan Pustaka, Kuala Lumpur, 1945, p. 224.

17. R.O. Wistedt, *A History of Classical Malay Literature*, op. cit., p. 75.

در داستان های اسلامی مضامین قرآن، حدیث، سیرت رسول (ص)، خانواده رسول (ص)، یاران رسول (ص) و پهلوانان اسلام جایگزین همتایان هندی خود شد. داستان های اسلامی در مراکز مهم ادبیات ملایو خصوصا در دربارهای پادشاهان پاسه، ملاکا، آچه، ریاو- جوهر، دیماک، چری بون، بانتن و غیره مورد استقبال قرار گرفت. این داستان ها در تربیت مردم نقش مهمی داشت و مردم را برای مبارزه با استعمارگران غربی هشیار می کرد و آماده می ساخت. مورخ نامدار تاریخ اسلام در اندونزی، اوکا چندراساسمیتا (Uka Tjanrasasmita) می نویسد که داستانهای اسلامی در آماده سازی ارتش برای جنگ نقش مهمی داشت. داستان محمد حنفیه در سال ۱۵۱۱ برای تقویت روحیه و شجاعت سربازان بر علیه ارتش کافر پرتغالی استعمارگر، پیش شاه و ارتش ملاکا خوانده شده بود.^{۱۸} خواندن داستان محمد حنفیه پیش ارتش اسلامی ملاکا در کتاب سجاره ملایو اینطور ضبط شده است: «سلطان احمد شاه پیامبر فرستاد تا تمام ارتش با تسلیحات آماده باشد. آن شب سپهبد ارتش و شاهزادگان جوان در تالار سخنرانی منتظر بودند، و شاهزادگان گفتند، "چرا ما اینجا بیکار بنشینیم؟ بهتر است ما یک داستان جنگی را بخوانیم که برای ما منفعت خواهد داشت." و تن محمد او ثنا گفت، " این خیلی درست است. باید ما از سلطان درخواست بنماییم تا مرا اجازه خواندن داستان محمد حنفیه بدهد."»^{۱۹}

از جمله داستان هایی که به زبان ملایر ترجمه شده، داستان های طولانی (زنجیره ای) از منابع اصیل اسلامی است؛ داستان هایی مثل حکایت بیان بودی مان (Hikayat Bayan Budiman)، حکایت خوجه میمون (Hikayat Khoja Maimun)، حکایت خوجه مبارک (Hikayat Khoja Mubarak) و چریتا طایفه (Cerita Taifah) که از زبان فارسی به زبان ملایو ترجمه شده بود. داستان «بیان بودی مان» در زبان ملایو برگرفته از نوشته های قاضی حسن در سال ۱۳۷۱ م بود. منابع این داستان از

18. Uka Tjandrasasmita, *Hubungan Perdagangan Indonesia-Persia (Iran) pada Masa Lampau (Abad VII-XVII M dan Dampaknya Terhadap Beberapa Unsur Kebudayaan, Majalah Jauhar*, IAIN Jakarta, Desember 2000.

19. C.C. Brown, translation, *Sejarah Melayu*, Oxford University Press, Kuala Lumpur, 1970, pp. 162-163.

کتاب «طوطی نامه» بود که نخشی در سال ۱۳۲۹ آن را از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه کرده بود.^{۲۰} کلیله و دمنه اولین بار از زبان سانسکریت به دست بزرگمهر و به حکم پادشاه ساسانی، خسرو انوشیروان به فارسی ترجمه شده بود. عبدالله ابن مقفع این کتاب را به زبان عربی ترجمه کرد. در زبان ملایو این کتاب از منبع فارسی، نوشته نصرالله منشی قرن ۱۲ میلادی ترجمه شده بود. همینطور حکایت بختیار (Hikat Bakhtiar) از بختیار نامه فارسی نیز به زبان ملایو ترجمه شده بود.^{۲۱}

بعد از گسترش و نفوذ اسلام در دنیای ملایو، حجم زیادی از ادبیات عامیانه و داستان های مردمی از دنیای عرب، ایران و هندوستان به دنیای ملایو وارد شد. این داستان ها بیشتر درباره زندگی پادشاهان، ملکه ها و شاهزادگان و مشتمل بر موضوعات گوناگونی مثل تجارب عاشقانه، ماجرا جویی، جنگ و ... بود. تعدادی از این داستان ها در زبان ملایو عبارتند از: حکایت جوهر مانیکام، حکایت محمد مقابل، حکایت راجا دمشق، حکایت حسن دمشق، حکایت محمود، حکایت ستی حبشه، حکایت فتح شام، حکایت قمرالزمان، حکایت بسطام، حکایت محمود غزنوی، حکایت سلطان مغول، حکایت علی، حکایت ابو نواز، حکایت عمر امیه و غیره.^{۲۲}

در ادبیات کلاسیک ملایو دو کتاب مهم مشهور وجود دارد که برای راهنمای سلاطین ملایو نوشته شده بود. این دو کتاب: تاج السلاطین و بستان السلاطین است. تاج السلاطین در سال ۱۶۰۳ میلادی در آچه توسط بخاری الجوهری نوشته شده و منبع اصلی آن به زبان فارسی بود. این کتاب در بردانده مضامینی درباره احکام خدا به حکمرانان، اطلاعات درباره مردم راست، اصول دین اسلام و روز قیامت است.^{۲۳} بستان السلاطین را شیخ نورالدین الرانیری، در آچه نوشته و مشتمل بر هفت باب و دارای مضامین درباری احکام دین اسلام، خلقت انسان، انبیاء، پهلوانان و مطالبی درباره علوم گوناگون است. همین طور

20. R.O. Wistedt, A History of Classical Malay Literature, *op. cit.*, p. 114.

21. L.F. Brakel, "Persian Influence in Malay Literature," *Abr-Nahrain*, Vol. 9, Leiden, 1970, p. 101.

22. *Katalogue Koleksi Naskah Melayu*, Museum Pusat, P dan K, Jakarta, 1972.

23. R.O. Wistedt, A History of Classical Malay Literature, *op. cit.*, p. 139.

کتاب سجارا ملایو (تاریخ پادشاهان ملایو) و تاریخ راجا- راجا پاسه (تاریخ سلاطین پاسه) تأثیر زیادی از زندگانی پادشاهان ایران و هند گرفته است. کتاب تاریخ نگاری «تحفة النفیس» نوشته راجا علی حاجی بن راجا احمد و حکایت هنگ تواه (Hikayat Hang Tuah) نیز رنگ ادبیات اسلامی دارد.²⁴



24. Santoso, "Islamization of Indonesian Literature in Its Earlier Period," JOSA, December, 1971, p. 16.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی